



یکی مثل ما

ضمیمه نوجوان

شماره ۳ ■ ۲۴ بهمن ۱۳۹۸

نوجوانان
جام جم



معمولا در هر

جمعی یکی پیدا

می شود که

ساکت و آرام

یک گوشه نشسته

و همه را زیر نظر

دارد. نسرین که

بعد از خواندن

تمام مصاحبه

می فهمید چرا

دوست نداشت

عکس و اسم

کاملش را منتشر

کنیم از همین

دسته است.

او هم مثل

خیلی از دهه

هشتادی های

دیگر امسال وارد

دانشگاه شده؛

آن هم در رشته

علوم تربیتی

۳

اقیانوس آرام

درباره دختری که سکوت را
ترجیح می دهد

زهرا قربانی



چیزی بیشتر نباش!

نسرین برخلاف حرفه ای که عاشقانه دوستش دارد (یعنی مجریگری)، فردی ساکت و آرام است؛ می گوید دلیل سکوتش می تواند محتاط بودنش در انتخاب حرف ها و رفتارهایش باشد. گرچه خیلی از ماصحبت و اظهار نظر نکنیم دق می کنیم! از وقتی وارد مدرسه شد، همه از او تعریف می کردند و به به و چه چه راه می انداختند که وای چه دختر خوب و ساکتی؛ آنها یک تصویر فوق العاده از یک دختر خوب در ذهنشان ساخته بودند که نسرین نمی خواست آن تصویر خوب را خراب کند و به همین خاطر نظر دادن برایش سخت شده بود و مدام به خودش می گفت چیزی بیشتر نباش!

من در میان جمع و...

نسرین هم مثل همه ما دوست دارد گاهی حرف خودش را به کرسی بنشاند؛ اما اصولا درباره مسائلی اظهار نظر می کند که حرفی برای گفتن نداشته باشد. او با همین روحیه آرام هم شروع کننده و گرداننده بحث در جمع دوستانش است و حسابی هم آتشش در بعضی مسائل تند است. دوستان نسرین همیشه به او می گویند تو که می دانی حرف فلانی اشتباه بود، چرا چیزی نگفتی؟ اما آنها نمی دانند ذهن خیال پرداز او لحظه ای در جمع نمی ماند و به قول خودش در دنیای خاصش سیر می کند. اما با همه این تقاسیر او دلش نمی خواهد با صفت ساکت معرفی و شناخته شود.

زبان دوم

فکر نکنید منظورمان زبان های غیر از فارسی است، نه. حرف ما از زبانی غیر از کلام است. بله؛ نویسنده یکی دنیای زیبا و پر رمز و راز. فکر نمی کنم کسی وجود داشته باشد که تا به حال دفترچه خاطراتی نداشته باشد که حرف هایش را برای خودش بزند! نسرین هم همین گونه است؛ او از کودکی عاشق نوشتن بوده. او می گوید: اگر بخوایم خیلی حرف بزنم فرصتی برای نوشتن پیدا نخواهم کرد، چون حرف زدن کنترلش خیلی سخت است و آن کسی که می تواند حرف زدن را کنترل کند، حرف هایش را در قالب دیگری مثل نقاشی، نویسندگی و در کل هنر نشان می دهد.

بهترین انتخاب

او بیشتر از این که حسرت انتخاب نکردن هایش را بخورد، دنبال بهترین انتخاب برای خودش است؛ کلا در خصوص لباس پوشیدن و انتخاب آهنگ هایش هم سخت پسند است. حتی از شب قبل هم به این فکر می کند که فردا چه چیزی می خواهد بپوشد، (الان نصف

تفریح

قدم زدن همیشه یکی از بهترین سرگرمی های دنیاست؛ او به تنهایی در خیابان رویاهای خودش قدم می زند و در آن غرق می شود تا جایی که راهش را هم گم می کند! او برای روزهای تعطیلش فیلم دیدن را هم ترجیح می دهد، اما انتخاب یک فیلم پروسه سختی برای اوست. بله در روزگاری که نوجوانان تمام وقتشان را پای گوشی و فیلم ها و سریال های نه چندان خوب و پر محتوا می گذارند، نسرین ترجیح می دهد یا یک فیلم عالی ببیند یا این که بخوابد! نمی خواهد وقتش را پای یک رمان بی محتوا بگذارد. از نظر خودش خیلی سخت زندگی می کند. کافی است کاری را بدون فکر انجام دهد؛ آن وقت مغزش آشوب می شود که وای نسرین تو داری عمرت را تلف می کنی!!!

تغییر

زندگی نسرین به دو بخش تقسیم شده؛ دوره دبستان و دوره دبیرستان! نسرین مطمئن است اگر دوستان دبستانش او را ببینند حتما به او می گویند خیلی عوض شده و دیگر آن آدم سابق نیست، اما اگر دوستان دبیرستان و تاثیری اش این مصاحبه را بخوانند با خنده و تعجب تنها سؤالی که برایشان مطرح می شود این است که (مگر نسرین ساکت و آرام است؟!)

شاید برای همین هم بود که به کلاس گویندگی و تاثیر رفت، اصلا رفت تا آن گذشته را عوض کند. البته او بیشتر از هر چیزی دوست دارد با آرامش و خیال پردازی هایش شناخته شود و کاملا معتقد است که آرامش با سکوت فرق دارد. نسرین در دنیای خیالی خود زندگی می کند و زمان سختی هایش به آرامش دنیای خیالی اش پناه می برد.



باور نکردنی!

مایکروسافت از محدود شرکت هایی است که با یک رویا شروع شد. رویای مهم کردن نرم افزارها، رویای وجود داشتن رایانه های شخصی. اینها آرزوهای من و پل آلن بودند که زمانی خیلی احمقانه به نظر می رسیدند. ما می گفتیم باید در هر خانه یک رایانه وجود داشته باشد.

[]

وقتی شرکتیمان را تاسیس کردیم سهام آن فقط ۹۵ سنت می ارزید و ۳۰ کارمند بیشتر نداشتیم. اما درآمد من امروز در هر ثانیه ۲۵۰ دلار است و تعداد کسانی که در جهان برای مایکروسافت کار می کنند از مرز ۹۰ هزار نفر هم گذشته است.

